

بررسی میزان علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی و عوامل مؤثر بر آن

(مورد مطالعه: دانشگاه علم و فرهنگ)

فرانک ملکی

دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

faranakmaleki225@gmail.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش سنجش میزان علاقه واقعی دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ به رشته تحصیلی خود و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر این علاقه است. آموزش عالی زمانی به بهره‌وری می‌رسد که دانشجویان با انگیزه و رغبت درونی به تحصیل بپردازند؛ اما شواهد نشان می‌دهد عواملی همچون فشار خانواده، مدرک‌گرایی و نگرانی از بازار کار مسیر انتخاب رشته را منحرف کرده‌اند. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ بوده که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته با روایی تأیید شده و پایایی آلفای کرونباخ مطلوب است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل می‌شوند. نتایج مورد انتظار نشان می‌دهد که بین آگاهی قبلی و علاقه فعلی رابطه معناداری وجود دارد و عوامل اقتصادی (بازار کار) و اجتماعی (خانواده) در بسیاری از موارد بر علاقه شخصی دانشجو غلبه کرده‌اند. این پژوهش راهکارهایی را برای بهبود فرآیند هدایت تحصیلی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: علاقه به رشته تحصیلی، انتخاب رشته، انگیزش تحصیلی، دانشگاه علم و فرهنگ.

مقدمه

آموزش عالی در دنیای امروز به عنوان موتور محرکه توسعه پایدار و یکی از شاخص های اصلی پیشرفت جوامع شناخته می شود. دانشگاه ها نه تنها وظیفه تولید دانش و تکنولوژی را بر عهده دارند بلکه مسئولیت تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد نیز بر دوش آن هاست. سرمایه انسانی زمانی می تواند به بهره وری و شکوفایی برسد که افراد در جایگاه های شغلی و تحصیلی متناسب با علایق و استعداد های خود قرار گیرند.

با این حال شواهد نشان می دهد که صرف ورود به دانشگاه تضمین کننده موفقیت تحصیلی و شغلی نیست. علاقه به رشته تحصیلی به عنوان یک نیروی انگیزشی درونی نقشی حیاتی در پایداری تحصیلی، خلاقیت و سلامت روان دانشجویان ایفا می کند. تحقیقات اخیر نشان داده اند که دانشجویانی که با علاقه و آگاهی وارد رشته تحصیلی خود شده اند نه تنها عملکرد تحصیلی بالاتری دارند بلکه در آینده نیز تعهد شغلی بیشتری از خود نشان می دهند (پاکزاد، بصیری و محبی، ۱۴۰۱).

در ایران پدیده «تورم» مدرک گرایی و فشار اجتماعی برای ورود به دانشگاه باعث شده است که فرآیند انتخاب رشته گاهی از مسیر عقلانی و مبتنی بر علاقه خارج شود. بسیاری از داوطلبان تحت تأثیر عواملی همچون پرستیژ اجتماعی، اصرار خانواده و یا صرفاً برای فرار از سربازی (در آقایان) و بیکاری رشته هایی را انتخاب می کنند که هیچ سنخیتی با تیپ شخصیتی و علایق آن ها ندارد. آمارهای رسمی مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۲ نشان می دهد که سهم فارغ التحصیلان آموزش عالی از کل جمعیت بیکار کشور بیش از ۴۰ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). این آمار نگران کننده حاکی از آن است که بخش عظیمی از خروجی دانشگاه ها یا مهارت کافی ندارند و یا به دلیل عدم علاقه انگیزه ای برای کارآفرینی و اشتغال در رشته تخصصی خود ندارند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ در پی آن است تا با واکاوی دقیق، میزان علاقه واقعی دانشجویان به رشته تحصیلی شان را سنجیده و عوامل پنهان و آشکار مؤثر بر این انتخاب اعم از عوامل فردی، خانوادگی و اقتصادی را شناسایی کند.

بیان مسئله

مسئله اصلی این پژوهش بررسی شکاف میان انتخاب رشته ایده آل و واقعیت تحصیلی دانشجویان است. بر اساس نظریه های کلاسیک انتخاب شغل مانند نظریه هالند (Holland)، رضایت و موفقیت تحصیلی زمانی حاصل می شود که بین شخصیت فرد و محیط تحصیلی-شغلی او تناسب وجود داشته باشد. هالند معتقد است که عدم تناسب بین این دو منجر به بی ثباتی، نارضایتی و در نهایت افت عملکرد می شود (شفیع آبادی، ۱۳۹۸).

متأسفانه در نظام آموزش عالی کشور به دلیل ساختار رقابتی کنکور و محدودیت ظرفیت در رشته های پرطرفدار، بسیاری از دانشجویان ناچار به انتخاب رشته هایی می شوند که اولویت های چندم آن هاست. مطالعات نشان داده اند که عدم آگاهی کافی از محتوای رشته ها قبل از ورود به دانشگاه یکی از دلایل اصلی بی علاقه ای در ترم های بالاتر است.

برای مثال، پژوهشی در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان نشان داد که تنها ۷۶ درصد دانشجویان با آگاهی قبلی رشته خود را انتخاب کرده بودند و دانشجویانی که بدون آگاهی وارد شده بودند رضایت تحصیلی به مراتب کمتری داشتند (صفری، نذری و حقیقی، ۱۳۹۶).

علاوه بر این، عامل «آینده شغلی» در سال های اخیر به یک متغیر تعیین کننده تبدیل شده است. با توجه به اینکه نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی در پاییز ۱۴۰۲ حدود ۱۱.۴ درصد اعلام شده است (تابناک، ۱۴۰۲)، دانشجویان دچار نوعی دلسردی و ناامیدی نسبت به کاربردی بودن دروس دانشگاهی شده اند. این دلسردی باعث می شود حتی دانشجویانی که در ابتدا با علاقه وارد دانشگاه شده اند به مرور زمان دچار فرسودگی تحصیلی شوند. در دانشگاه علم و فرهنگ به عنوان یکی از دانشگاه های معتبر غیرانتفاعی، دانشجویان علاوه بر چالش های عمومی با مسأله شهریه و هزینه های تحصیل نیز مواجه اند. سوال اینجاست که آیا پرداخت هزینه تحصیل باعث افزایش انگیزه آن ها برای یادگیری می شود یا اینکه فشار اقتصادی ناشی از آن در کنار ابهام در بازار کار علاقه آن ها را تحت الشعاع قرار می دهد؟ آیا عواملی همچون سطح تحصیلات و شغل والدین و فشارهای خانوادگی دانشجو را به سمت رشته های خاصی سوق داده است؟

بنابراین این تحقیق با طرح این سوال اساسی شکل گرفته است: «میزان علاقه دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ به رشته تحصیلی خود چقدر است و چه عواملی (فردی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی) بر شکل گیری یا کاهش این علاقه تأثیر گذارند؟».

اهمیت و ضرورت تحقیق

انجام این پژوهش از ابعاد گوناگون دارای ضرورت است:

* بعد روان شناختی و بهداشت روانی: عدم علاقه به رشته تحصیلی یکی از ریشه های اصلی اضطراب، افسردگی و کاهش عزت نفس در دانشجویان است. دانشجویی که خود را در جایگاه اشتباهی می بیند دچار تعارض درونی شده و این تعارض می تواند منجر به آسیب های اجتماعی شود.

* بعد اقتصادی و توسعه ای: تربیت دانشجو هزینه سنگینی برای خانواده ها و سیستم آموزشی کشور دارد. اگر خروجی این سیستم، فارغ التحصیلانی بی انگیزه باشند که در مشاغل غیرمرتبط فعالیت کنند، عملاً سرمایه ملی و بودجه خانوارها هدر رفته است. آمارهای سال ۱۴۰۲ نشان می دهد که نرخ بیکاری زنان فارغ التحصیل حدود دو برابر مردان است (خبر آنلاین، ۱۴۰۲) که لزوم بررسی متغیر جنسیت در علاقه و انتخاب رشته را برجسته می کند.

* بعد آموزشی و مدیریتی: نتایج این تحقیق می تواند بازخوردی واقعی به مدیران دانشگاه علم و فرهنگ ارائه دهد. شناسایی عوامل نارضایتی (مثلاً کیفیت پایین تدریس یا سرفصل های قدیمی) به مسئولان کمک می کند تا در سیاست های آموزشی، جذب اساتید و فرآیند مشاوره و هدایت تحصیلی بازنگری کنند.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

سنجش میزان علاقه دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ به رشته تحصیلی خود و تبیین نقش عوامل فردی، خانوادگی و محیطی در انتخاب رشته.

اهداف جزئی:

- * تعیین رابطه بین شناخت و آگاهی قبلی داوطلبان و میزان علاقه فعلی آن ها به رشته تحصیلی.
- * سنجش تأثیر مؤلفه های خانوادگی (سطح تحصیلات والدین، شغل پدر، اصرار خانواده) بر انتخاب رشته دانشجویان.
- * بررسی رابطه بین نگرش به بازار کار و درآمد آینده با میزان انگیزه تحصیلی دانشجویان.
- * ارزیابی نقش عوامل دانشگاهی (نحوه تدریس اساتید، محتوای دروس، امکانات دانشگاه) در افزایش یا کاهش علاقه دانشجویان.
- * مقایسه میزان علاقه به رشته تحصیلی به تفکیک جنسیت و مقطع تحصیلی (کارشناسی و ارشد).

فرضیه های تحقیق

- * بین میزان آگاهی قبل از ورود به دانشگاه و رضایت تحصیلی دانشجویان رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.
- * فشارهای خانوادگی و سطح تحصیلات والدین تأثیر معناداری بر انتخاب رشته دانشجویان (بدون در نظر گرفتن علاقه شخصی) دارد.
- * نگرانی از آینده شغلی و بیکاری باعث کاهش معنادار علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی شده است.
- * بین کیفیت آموزشی (تدریس اساتید و سرفصل ها) و علاقه مندی دانشجویان به ادامه تحصیل رابطه مستقیم وجود دارد.
- * میانگین علاقه به رشته تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری دارد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

علاقه به رشته تحصیلی (Academic Interest)

- * تعریف نظری: تمایل درونی و جهت گیری مثبت فرد نسبت به محتوای درسی و فعالیت های مرتبط با یک حوزه علمی خاص که منجر به پایداری در یادگیری می شود (پاکزاد و همکاران، ۱۴۰۱).
- * تعریف عملیاتی: نمره ای است که دانشجو از پاسخ به سوالات بخش علاقه در پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت ۵ گزینه ای کسب می کند.

آگاهی قبلی (Prior Knowledge)

- * تعریف نظری: میزان اطلاعات صحیحی که فرد قبل از انتخاب رشته درباره سرفصل ها، دشواری ها و آینده شغلی آن رشته داشته است.
- * تعریف عملیاتی: نمره حاصل از گویه های مرتبط با شناخت رشته قبل از ورود به دانشگاه در پرسشنامه.

عوامل اقتصادی (بازار کار)

- * تعریف نظری: تصور دانشجو از میزان تقاضای جامعه برای رشته تحصیلی او و میزان درآمد احتمالی در آینده.
- * تعریف عملیاتی: نمره حاصل از سوالات مربوط به امنیت شغلی و درآمد در پرسشنامه.

فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش

مقدمه

فصل دوم به بررسی مبانی نظری و سوابق پژوهشی مرتبط با موضوع «علاقه» به رشته تحصیلی و فرآیند انتخاب رشته اختصاص دارد. انتخاب رشته تحصیلی، نقطه تلاقی نظام شخصیت فرد و نظام اجتماعی-اقتصادی جامعه است. این تصمیم پیچیده تحت تأثیر متغیرهای بی شماری قرار دارد که برخی ریشه در روان شناسی فرد (مانند هوش، استعداد، رغبت و تیپ شخصیتی) و برخی ریشه در محیط پیرامون (مانند خانواده، طبقه اجتماعی، بازار کار و سیاست های آموزشی) دارند. در این فصل، ابتدا مفاهیم بنیادی نظیر «علاقه» و «انگیزش تحصیلی» تعریف شده و سپس نظریه های کلاسیک و مدرن انتخاب شغل و رشته نظیر نظریه های پارسونز، هالند، سوپر و گینزبرگ تشریح می شوند. در نهایت بافتار خاص نظام آموزش عالی ایران و چالش های فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان مورد واکاوی قرار می گیرد.

مبانی نظری: تعاریف و مفاهیم

مفهوم شناسی علاقه (The Concept of Interest)

علاقه در روان شناسی تربیتی به عنوان یک پدیده روان شناختی تعریف می شود که با تمرکز توجه، افزایش عملکرد شناختی و بروز احساسات مثبت همراه است. هیدی و رنینگر در مدل چهار مرحله ای توسعه علاقه، دو نوع اصلی علاقه را متمایز می کنند (Hidi & Renninger, 2006):

* علاقه موقعیتی (Situational Interest): که توسط محرک های محیطی مانند جذابیت کلامی استاد یا محیط دانشگاه برانگیخته می شود و معمولاً کوتاه مدت است.

* علاقه فردی (Individual Interest): که یک گرایش نسبتاً پایدار و درونی در فرد برای درگیر شدن با یک موضوع خاص است.

در بافت دانشگاهی، هدف نهایی تبدیل علاقه موقعیتی به علاقه فردی است. دانشجویی که انتخاب رشته اش بر اساس علاقه فردی باشد، دارای پایداری و تاب آوری بالاتری در برابر دشواری های دروس است.

انگیزش تحصیلی (Academic Motivation)

انگیزش نیروی محرکه ای است که رفتار را جهت دهی و سازمان دهی می کند. بر اساس نظریه خودمختاری (Self-Determination Theory - SDT) دسی و رایان (Ryan & Deci, 2000)، انگیزش دانشجویان بر روی یک طیف قرار می گیرد:

* انگیزش درونی (Intrinsic Motivation): دانشجو درس را می خواند چون ذاتاً برایش لذت بخش است (نشانه علاقه واقعی).

* انگیزش بیرونی (Extrinsic Motivation): دانشجو درس را می خواند برای کسب پاداش (نمره، مدرک) یا اجتناب از تنبیه (سرزنش والدین، مشروطی).

* بی انگیزگی (Amotivation): فقدان کامل تمایل به انجام فعالیت.

پژوهش حاضر بر این پیش فرض استوار است که بسیاری از انتخاب رشته ها در ایران بر اساس انگیزه های بیرونی (پرستیژ اجتماعی و فشار خانواده) صورت می گیرد که در درازمدت منجر به افت کیفیت یادگیری می شود.

نظریه های انتخاب رشته و شغل

برای تبیین اینکه چرا دانشجویان رشته های خاصی را انتخاب می کنند یا چرا از رشته خود ناراضی هستند، باید به نظریه های معتبر انتخاب شغل مراجعه کرد.

نظریه ویژگی و عامل پارسونز (Trait and Factor Theory)

فرانک پارسونز (Frank Parsons)، پدر راهنمایی شغلی، معتقد بود که انتخاب صحیح حاصل تطابق منطقی بین ویژگی های فرد و ویژگی های شغل است. این نظریه بر سه اصل استوار است:

۱. شناخت خود (Self-Knowledge): فرد باید درک روشنی از استعدادها، علایق و محدودیت های خود داشته باشد.
 ۲. شناخت رشته و شغل (Occupational Knowledge): فرد باید اطلاعات دقیقی از شرایط موفقیت، مزایا و معایب رشته ها و مشاغل داشته باشد.
 ۳. تطابق منطقی (Rational Matching): ایجاد سازگاری بین این دو گروه اطلاعات (شفیع آبادی، ۱۳۹۸).
- نقد و کاربرد در پژوهش: در سیستم آموزشی ایران ضعف عمده در مرحله دوم (شناخت رشته) مشهود است. داوطلبان کنکور معمولاً اطلاعاتی سطحی و کلیشه ای از رشته ها دارند که منجر به عدم تطابق پس از ورود به دانشگاه می شود.

نظریه تیپ شناسی شخصیت جان هالند (Holland's RIASEC Theory)

جان هالند (John Holland) یکی از نافذترین نظریه ها را در این حوزه ارائه کرده است. او معتقد است که انتخاب رشته تحصیلی، تبیین کننده شخصیت فرد است. بر اساس این نظریه، افراد و محیط های کاری-تحصیلی به شش تیپ تقسیم می شوند (Holland, 1997):

- * واقع گرا (Realistic): علاقه مند به کار با ابزار، اشیاء و ماشین آلات (مناسب رشته های مهندسی مکانیک، کشاورزی).
 - * جستجوگر (Investigative): علاقه مند به تحلیل، پژوهش و حل مسائل انتزاعی (مناسب رشته های علوم پایه، پزشکی، ریاضی).
 - * هنری (Artistic): خلاق، نوآور و گریزان از ساختارهای خشک (مناسب رشته های هنر، معماری، ادبیات).
 - * اجتماعی (Social): علاقه مند به کمک به دیگران، آموزش و درمان (مناسب رشته های روان شناسی، علوم تربیتی، پرستاری).
 - * متهور/اجسور (Enterprising): علاقه مند به رهبری، متقاعدسازی و کسب سود (مناسب رشته های مدیریت، حقوق، علوم سیاسی).
 - * قراردادی (Conventional): علاقه مند به نظم، بایگانی و کار با داده های عددی (مناسب رشته های حسابداری، آمار، بانکداری).
- مفهوم همخوانی (Congruence): کلید اصلی نظریه هالند مفهوم «همخوانی» است. رضایت تحصیلی زمانی به حداکثر می رسد که یک فرد با تیپ شخصیتی خاص (مثلاً هنری) در محیطی متناسب (رشته گرافیک) تحصیل کند. اگر فردی با تیپ هنری وارد رشته حسابداری (تیپ قراردادی) شود، دچار تعارض و بی علاقه گی خواهد شد.

نظریه رشدی گینزبرگ و همکاران (Ginzberg's Developmental Theory)

گینزبرگ معتقد بود انتخاب رشته یک رویداد لحظه‌ای نیست بلکه فرآیندی طولانی است که طی سال‌ها شکل می‌گیرد (Ginzberg et al., 1951). او سه مرحله را معرفی می‌کند:

۱. مرحله رویاپردازی (Fantasy): تا ۱۱ سالگی؛ کودک بدون توجه به واقعیت‌ها شغل انتخاب می‌کند.
 ۲. مرحله آزمایشی (Tentative): ۱۱ تا ۱۷ سالگی؛ نوجوان به تدریج علایق، ظرفیت‌ها و ارزش‌های خود را می‌شناسد.
 ۳. مرحله واقع‌گرایانه (Realistic): ۱۷ سالگی به بعد؛ فرد با در نظر گرفتن واقعیت‌های بازار کار و محدودیت‌های خود دست به انتخاب نهایی (بلورسازی) می‌زند.
- کاربرد در ایران: به دلیل فشار کنکور، بسیاری از نوجوانان فرصت کافی برای طی کردن صحیح مرحله «آزمایشی» و کشف علایق خود را ندارند و مستقیماً وارد انتخابی می‌شوند که هنوز برایشان مبهم است.
- نظریه شناختی-اجتماعی لنت، براون و هکت (SCCT)

این نظریه جدیدتر (Social Cognitive Career Theory) بر نقش باورهای فرد تأکید دارد (Lent et al., 1994). دو سازه اصلی در این نظریه عبارتند از:

- * خودکارآمدی (Self-Efficacy): باور فرد به توانایی خود در انجام موفقیت‌آمیز دروس یک رشته.
 - * انتظار پیامد (Outcome Expectations): تصور فرد از اینکه تحصیل در این رشته چه نتیجه‌ای (پول، احترام، جایگاه) خواهد داشت.
- طبق این نظریه، حتی اگر فردی به هنر علاقه داشته باشد، اگر باور داشته باشد که "هنر نان ندارد" (انتظار پیامد منفی) یا "من استعداد کافی ندارم" (خودکارآمدی پایین)، آن رشته را انتخاب نخواهد کرد. عوامل محیطی مانند حمایت خانواده یا موانع اقتصادی در این مدل نقش تسهیل‌گر یا بازدارنده را بازی می‌کنند.

عوامل مؤثر بر انتخاب رشته در بافتار ایران

پدیده مدرک‌گرایی (Credentialism)

در دهه‌های اخیر جامعه ایران با تورم مدرک مواجه شده است. مدرک دانشگاهی که زمانی نشان‌دهنده تخصص بود، اکنون به یک ضرورت اولیه برای حداقل جایگاه اجتماعی تبدیل شده است. این فشار اجتماعی باعث می‌شود افراد صرفاً برای کسب عنوان "لیسانس" یا "فوق‌لیسانس" وارد دانشگاه شوند، بدون آنکه محتوای رشته برایشان اهمیتی داشته باشد. این رویکرد انگیزه درونی برای یادگیری را از بین می‌برد.

کنکور و محدودیت‌های ساختاری

آزمون سراسری (کنکور) به عنوان گلوگاه ورود به دانشگاه یکی از عوامل اصلی انحراف انتخاب رشته از علاقه است. رتبه کسب شده در کنکور معمولاً دایره انتخاب فرد را محدود می‌کند. در بسیاری از موارد داوطلب ناچار است بین «رشته مورد علاقه در دانشگاه ضعیف» و «رشته‌ای دیگر در دانشگاه معتبر»، دومی را انتخاب کند. این سیستم انتخاب بر اساس رتبه به جای انتخاب بر اساس علاقه، بذریع اولیه نارضایتی تحصیلی را می‌کارد.

بازار کار و کلیشه‌های جنسیتی

نگرش دانشجویان به بازار کار متأثر از واقعیت های اقتصادی و کلیشه های جنسیتی است. برخی رشته ها در ایران به طور سنتی مردانه (مانند مهندسی معدن یا مکانیک) و برخی زنانه (مانند علوم تربیتی یا پرستاری) تلقی می شوند. اگرچه این مرزها در حال کمرنگ شدن است، اما همچنان بر انتخاب و علاقه دانشجویان دختر و پسر اثرگذار است. همچنین بی ثباتی اقتصادی باعث شده معیار امنیت شغلی در اولویت بالاتری نسبت به رضایت شغلی قرار گیرد.

پیشینه تجربی پژوهش (Empirical Literature Review)

در این بخش به مرور مطالعات و پژوهش هایی پرداخته می شود که در سال های گذشته در داخل و خارج از کشور پیرامون موضوع «علاقه به رشته تحصیلی»، «عوامل مؤثر بر انتخاب رشته» و «افت تحصیلی» انجام شده اند. بررسی این سوابق به ما کمک می کند تا متغیرهای تأثیرگذار را بهتر بشناسیم و از تکرار مکررات پرهیز کنیم. نتایج این تحقیقات نشان می دهد که اگرچه علاقه یک پدیده جهانی است اما عوامل شکل دهنده آن در ایران به دلیل ساختار خاص کنکور و بازار کار تفاوت هایی با سایر کشورها دارد.

پیشینه تحقیقات داخلی (Internal Studies)

* بیگدلی و همکاران (۱۳۹۱): تقابل علاقه و اقتصاد: در پژوهشی با عنوان «بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان فنی و علوم انسانی دانشگاه تهران»، با روش پیمایشی روی ۳۰۰ دانشجو نشان دادند که تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد. دانشجویان فنی مهندسی عامل «درآمد آینده» و «وجهه اجتماعی» را مهم تر از علاقه شخصی می دانستند، در مقابل دانشجویان علوم انسانی و هنر «علاقه ذاتی» را عامل اصلی ذکر کردند. این تحقیق نشان می دهد که در دانشگاه های ایران هرچه رشته پولسازتر باشد، احتمال اینکه دانشجو بدون علاقه قلبی و صرفاً برای پول وارد آن شده باشد، بیشتر است.

* صفری و همکاران (۱۳۹۷): نقش آگاهی در علاقه: در مطالعه ای در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان دریافتند که ۵۸ درصد دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه شناخت دقیقی از رشته خود نداشتند. بین آگاهی قبل از انتخاب و رضایت فعلی همبستگی مثبت ($r=0.65$) مشاهده شد. نکته کلیدی این بود که با افزایش ترم تحصیلی از سال اول به سال آخر، علاقه دانشجویان نه تنها زیاد نشده بلکه کاهش یافته بود که علت آن مواجهه با واقعیت های سخت شغلی در بیمارستان ذکر شد.

* خسروی و همکاران (۱۳۸۴): تأثیر اساتید بر احیای علاقه: این پژوهش در دانشگاه جندی شاپور اهواز ثابت کرد که حتی اگر دانشجو بدون علاقه وارد دانشگاه شود، محیط آموزشی می تواند علاقه را ایجاد کند. حدود ۷۷ درصد دانشجویان اعلام کردند که «نحوه تدریس استاد» و «کاربردی بودن مطالب کلاس» باعث شده به رشته شان علاقه مند شوند.

پیشینه تحقیقات خارجی (External Studies)

در سطح جهانی تمرکز تحقیقات بیشتر بر روی تطابق شخصیت و رضایت درونی است تا مسائل اقتصادی.

* پورتر و آمباخ (۲۰۰۶): انتخاب رشته و شخصیت دانشجو: آن ها در یک مطالعه طولی در آمریکا نشان دادند که دانشجویان با شخصیت «جستجوگر» و «هنری» (طبق مدل هالند) بیشترین پایداری را در رشته خود دارند، اما دانشجویانی که صرفاً بر اساس فشار والدین رشته های پولساز مثل حقوق را انتخاب کرده بودند، نرخ تغییر رشته بسیار بالایی داشتند (Porter & Umbach, 2006).

جمع بندی و نتیجه گیری فصل دوم

مرور ادبیات تحقیق نشان داد که انتخاب رشته تحصیلی یک فرآیند چندوجهی است. در حالی که نظریه های جهانی مثل هالند بر تطابق شخصیت تأکید دارند، پژوهش های داخلی نشان می دهند که در ایران متغیرهای مداخله گر قوی تری مثل «کنکور» و «بحران بیکاری» وجود دارند که معادله را تغییر می دهند. اکثر تحقیقات داخلی بر دانشگاه های دولتی متمرکز بوده اند و خلاء پژوهشی در خصوص دانشگاه های غیرانتفاعی مانند علم و فرهنگ که دانشجویان در آن شهریه می پردازند احساس می شود. این پژوهش قصد دارد با بررسی این جامعه آماری خاص، مشخص کند آیا پرداخت شهریه باعث انتخاب دقیق تر به دلیل هزینه می شود یا اینکه فشار مالی رضایت تحصیلی را کاهش می دهد.

فصل سوم: روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است؛ زیرا نتایج آن برای بهبود سیستم هدایت تحصیلی دانشگاه قابل استفاده است. از نظر شیوه گردآوری داده ها، توصیفی-پیمایشی است. در روش پیمایشی محقق با توزیع پرسشنامه در بین جامعه آماری وضعیت موجود را توصیف می کند (دلور، ۱۳۹۵).

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علم و فرهنگ است. برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان و فرمول کوکران استفاده شد که بر اساس آن تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند تا نتایج قابل تعمیم باشد.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار اصلی پرسشنامه محقق ساخته است که بر اساس طیف ۵ گزینه ای لیکرت از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» تنظیم شده است.

* روایی (اعتبار): پرسشنامه توسط استاد راهنما و متخصصان بازبینی و تأیید شده است (روایی صوری).

* پایایی (اعتماد): برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای محاسبه شده بالای ۰.۷ است که نشان می دهد پرسشنامه قابل اعتماد است (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۸).

منابع

۱. بیگدلی، م.، و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه ای عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۸(۲).
۲. پاکزاد، آ.، بصیری، ا.، و محبی، ف. (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر علاقه مندی دانشجویان به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر تحصیلی: مطالعه موردی دانشگاه کوثر بجنورد. کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی.
۳. تابناک. (۱۴۰۲، ۱۲ دی). جمعیت ۸۷۵ هزار نفری بیکاران فارغ التحصیل؛ سهم ۴۲ درصدی تحصیل کرده ها از بیکاری. بازیابی شده از وبسایت تابناک: tabnak.ir
۴. خسروی، ا.، و همکاران. (۱۳۸۴). بررسی میزان علاقه مندی دانشجویان دانشگاه جندی شاپور. مجله علمی پزشکی، ۵(۲).
۵. خبر آنلاین. (۱۴۰۳، ۴ خرداد). اعلام آمار بیکاری فارغ التحصیلان: نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان. بازیابی شده از وبسایت خبر آنلاین.

۶. دلاور، ع. (۱۳۹۵). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: انتشارات رشد.
۷. سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۹۸). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگه.
۸. شفیعی آبادی، ع. (۱۳۹۸). نظریه های مشاوره و روان درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. صفری، ط.، نذری، ا.، و حقیقی، م. (۱۳۹۷). بررسی میزان علاقه دانشجویان به رشته تحصیلی خود و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان. مجله تحقیقات پزشکی ترجمانی، ۴(۱).
۱۰. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). گزارش طرح آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۴۰۲. تهران: درگاه ملی آمار.
11. Ginzberg, E., Ginsburg, S. W., Axelrad, S., & Herma, J. L. (1951). Occupational choice: An approach to a general theory. New York: Columbia University Press.
12. Hidi, S., & Renninger, K. A. (2006). The four-phase model of interest development. Educational Psychologist, 41(2), 111-127.
13. Holland, J. L. (1997). Making vocational choices: A theory of vocational personalities and work environments (3rd ed.). Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.
14. Lent, R. W., Brown, S. D., & Hackett, G. (1994). Toward a unifying social cognitive theory of career and academic interest, choice, and performance. Journal of Vocational Behavior, 45(1), 79-122.
15. Porter, S. R., & Umbach, P. D. (2006). College major choice: An analysis of person-environment fit. Research in Higher Education, 47.(۴)
16. Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions. Contemporary Educational Psychology, 25(1), 54-67.